

کارگران

سخن می گویند

نشریه هسته کارگری مبارز افغانستان

دور دوم ~~~~~ شماره سوم ~~~~~ جدی ۱۳۸۹



پیامی به کارگران زحمتکش کشور

کارگران وزحمتکشان!

در کشوری که استقلال سیاسی و آزادی های مدنی اش توسط خائنین ملی وطن فروش و دست نشانده به باد داده شده و کشور را به مستعمره تمام عیار اشغالگران امریکایی و شرکای بین المللی اش بدل ساخته اند، نمیتوان توقع رسیدگی، حق طلبی و حقوق خویش را نمود.

همه ما به خوبی میدانیم تا زمانیکه سر در لاک خود فرو بریم و حتی اگر حق مان در جایی پایمال شده است سکوت کنیم، کسی با ما کاری نخواهد داشت و این زندگی حداقلی که داریم را از دست نخواهیم داد. چرا که جزء این حقوق بخور و نمیر و زندگی کوچکی که برای خود دست و پا کرده ایم چیز دیگری برای از دست دادن نداریم.

اما دقیقا از زمانیکه برای دفاع از حق خود و شرافت خود پیامی خیزیم، خود را منسجم میکنیم و به حرکت در می آیم خطرهای زیادی در سر راه ما بوجود می آید و زندگی ما را تهدید میکند و دقیقا از همین لحظه است که انسانیت ما آغاز میشود.

مبارزه ما کارگران برای رهایی از چنگال استثمار و بهره وران، مبارزه برای رهایی تمامی جامعه است. ما تولید کنندگان تمامی ثروت جامعه ایم.

زمانیکه مبارزه را آغاز میکنیم دیگر زندگی مان کوچک نیست. چرا که تمامی رنج زمین را در قلب خود داریم. "هسته کارگری مبارز افغانستان" که تشکیل آن اولین گام مبارزاتی مستقل کارگران افغانستان در این مسیر طولانی مبارزاتی است، برای پیشبرد مبارزات حق طلبانه کارگران افغانستانی و برای مبارزه در راه ایجاد یک جامعه کاملا انسانی تمامی کارگران و زحمتکشان کشور را به همبستگی هرچه بیشتر و فشرده تر در راه تامین خواسته ها و نیازهای مطرح شده در مطالبات حداقل کنونی اش که در شماره اول و دوم این نشریه انتشار یافته است، فرا میخواند.

اگر با این اهداف موافقید به ما بپیوندید!

یقین کامل داریم که این گام کوچک و ابتدائی مبارزاتی مان نه تنها مورد حمایت شخصیت ها و نیروهای مبارز افغانستانی، بلکه مورد حمایت شخصیت ها و نیروهای مبارز سائر کشورها، بخصوص تشکلات کارگری مبارز، قرار خواهد گرفت.

"هسته کارگری مبارز افغانستان"

جدي ۱۳۸۹

کشتار کارگران زحمتکش افغانستانی را در مرز ایران

شدیدا تقبیح میکنیم

کارگران و توده های زحمتکش افغانستان باید بدانند که مسبب اصلی همه این بدبختی ها نیروهای اشغالگر امریکایی و شرکای بین المللی اش از یک سوی و رژیم پوشالی حامد کرزی از سوی دیگر میباشد. این نظام ستمگر بر پایه فقر و بدبختی، قتل و قتل استوار گردیده، فقر و بدبختی و جنایت در ذات این رژیم منحوس بوده و میباشد.

تا زمانی که افغانستان در چنگال اشغالگران امپریالیستی قرار داشته باشد و رژیم دست نشانده شان بر مسند قدرت باقی بماند همین آش است و همین کاسه!

"هسته کارگری مبارز افغانستان"

۱۷ جدی ۱۳۸۹

یک بار دیگر دست جنایتکاران جمهوری اسلامی ایران به خون کارگران آواره افغانستانی آلوده گشت.

چند روز قبل سپاهیان جلاد و خون آشام جمهوری اسلامی ایران یکعده (حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر) از کارگران آواره افغانستانی را که به خاطر کاریابی به ایران میرفتند در مسیر راه و در کنار یک جاده آسفالت همه شان را به رگبار مسلسل بستند و عده ای را زخمی نمودند. طبق فیلم مستندی که از صحنه کشتار دسته جمعی افغانستانی های مهاجر تهیه شده بود، مشخص بود که جلادان جمهوری اسلامی ایران از در خون تپیدن کارگران خرسند بوده و از خوشی در لباس خود نمی گنجیدند. در چنین شرایطی رژیم پوشالی حامد کرزی مهر سکوت بر لب زده و هیچگونه صدای اعتراضی را بلند نکرده است. در حقیقت امر مسبب اصلی آواره شدن کارگران افغانستانی به کشورهای همسایه و سرگردانی آنها بخاطر به دست آوردن کار بخاطر آنکه تا لقمه نانی برای خود و خانواده خود به دست آورند، رژیم پوشالی حامد کرزی و اربابان اشغالگرش میباشد.

از زمان تجاوز و اشغالگری امپریالیستها و به کرسی نشاندن حامد کرزی، روز به روز وضعیت زندگی مردمان زحمتکش این دیار، وخیم تر گردیده است. علاوه بر اینکه زمینه کار و اشتغال برای کارگران مساعد نگردیده، بلکه روز به روز نرخ ها به شکل سرسام آوری بالا میرود، مزدی که برای کارگران در داخل کشور پرداخت میشود به مشکل میتواند مصارف لقمه نان خشک شان را مهیاء نماید. روز به روز به خیل بیکاران افزوده میشود. روی این ملحوظ عده ای از کارگران برای تهیه لقمه نانی روانه ایران میشوند؛ در حالی که میدانند جان شان نیز در خطر است.



گفتگو با یک کارگر افغانستانی که در زاهدان ایران صورت گرفته است

جواب: در هر سفری که به ایران کردم تقریباً نه ماه ده ماه کاروبدبختی کشیدم درین مدت بعضی از روزهای کاری گیرم نمی آمد یعنی از این ده ماه حدوداً هفت ماه کار می کردم و خود را به هر دری جهت یافتن کار میزدم در ایران هم که به ما افغانی ها اهمیت نمی دهند طعنه های زیادی به ما افغانی ها میزنند چه دولت و چه مردم همگی ما را به نظر بد می بینند بخصوص کارگرای ایرانی بسیار از دست ما ناراحت هستند و خیال می کنند که ما جلوی کار آنها را می گیریم و اگر ما نباشیم وضع زندگی آنها بسیار بهتر می شود. نتیجه مطلوبی که من در عمرم از کار به ایران گرفتم اینست که فقط خود و اولاد هایم دست به گدایی نزدند و به گونه که لقمه بخورنمیری برایشان پیدا کردم و فعلاً هم مبلغی پول از برادرم که همراهیم هست قرض گرفتم و میروم تا به ایران کارکنم که هم قرض هایش را بدهم و هم برای خرجی بچه هایم پولی بدست بیاورم.

سوال: درسفرهای گذشته، وقتی از کشور ایران خارج می شدید تا به نزد خانواده تان در افغانستان بروید رفتار مسئولین امنیتی ایرانی با شما چگونه بود؟

جواب: مسئولین امنیتی بیشتر از مردم ایران مرا شکنجه می نمودند در راه برگشت به افغانستان به انواع مختلف از من پول می گرفتند یعنی تا سر مرز میرسیدم اگر مصارف یک ایرانی در این مسافت بیست هزار تومان بود از من پنجاه هزار تومان به مصرف می رسید کرایه دوبله خرجی همچنین. و وای از روزی که آدم را بگیرند به اردوگاه های خود ببرند که حالا وقت ندارم اگر نه از دفعه قبل که به داخل اردوگاه مدت یک هفته سپری نمودم برای تان می گفتم که صد رحمت به بندی خانه های افغانستان و حتی از حیوان بالای ما بد تر رفتار می نمودند. از شکنجه ها و مشقت های که مسئولین امنیتی ایران به سر ما کارگران افغانی می آوردند و می آوردند هرچه بگویم تمامی ندارد.

سوال: آیا دوری از وطن و خانواده برای شما رنج آور نیست؟

با عرض سلام و مانده نباشی میخوام با شما دوست عزیز که از افغانستان برگشته اید، لحظه ای صحبتی داشته باشم آیا حاضری به سوالات من جواب بدهی.

بلی با کمال میل

سوال: ابتدا من از شما میخوام که خود را معرفی کرده بگوئید چند ساله هستید و در کدام شهر افغانستان زندگی می کردید

جواب: من چهل و یک ساله هستم و در بغلان زندگی می کنم.

سوال: چرا شما وطن خود را ترک می کنید و آیا کدام راه حل دیگری برای شما باقی نمانده بود؟

جواب: من وطن خود را دوست دارم زیرا پدر و مادرم در اینجا زندگی کردند و سال ها در رنج و مشقت عمر خود را گذشتاندند و همانطور که من در چهل سال عمر خود بجز رنج و بدبختی نکشیده ام آنها هم عمری را با همین درد و رنج ها گذشتانده و از دنیا رفته اند بنده هم بخاطر گرسنگی، بیچارگی، فقر و بیکاری وطن خود را ترک می کنم در حالی که بسیار نگران خانه خود هستم ولی هیچ راه حلی برای گزران زندگی خویش نیافته ام بجز اینکه به کشور ایران بروم و لقمه نانی برای خود و بچه های خود پیدا کرده شکم های گرسنه شان را سیر کنم.

سوال: این بار اول تان هست که به ایران جهت کار می روید یا خیر؟

جواب: من سه قسمت از عمر خود را به ایران گذشتاندم و در طول عمرم ۷ یا ۸ بار جهت کار کردن به ایران آمدم و هر زمان مدتی کار کرده و مبلغی پول جمع آوری کردم و به خانه خود برگشتم این مبلغ ناچیز را به دسترس شان قرار داده و چند روزی هم با ایشان بودم بلافاصله باز به طرف ایران دویدم. و از این طریق است که من توانستم تاحال شکم خود و فرزندان خود را سیر کنم.

سوال: درسفرهای گذشته که به ایران کرده اید نتیجه مطلوب بدست آورده اید یا خیر؟

پیاده طی کنیم بسیار رنج آور است و خسته کننده و اگر در این مسیر به چنگ نیروهای ایرانی بیافتم همان اردوگاه هست و کارهای شاقه و طاقت فرسا و گرسنگی و هزاران بی بندوباری دیگر .

سوال : آیا در راه به مشکلاتی برخوردید اگر مشکلاتی دیده اید چه بوده است ؟

جواب : در راه انواع مشکلات برخوردی و میخوریم و خصوصا زمانیکه به مرز ایران داخل شویم باید مشکلات را در نظر داشته باشیم ، گرسنگی ، بی خوابی ، خستگی ، حالت فرار ، افتادن و برخوردن ، اگر این مشکلات به سر آدم های پول دار که در افغانستان یا ایران زندگی می کنند ، بیاورند ایشان حاضرند به بسیار پول زیادی آنرا بخرند و حاضر نشوند این مشکلات را قبول کنند . و از طرف دیگر این سر مرز فقط یک پاسگاه است که ما به بسیار مشکلات از آن عبور می کنیم اما تا به مقصد که یا شهر مشهد باشد یا شهر تهران یا جای دیگر . تا آنجا که پاسگاه دیگر وجود دارد که هر کدام فقط هدف اصلی شان اینست که یک افغانی به چنگ بیاورند و داروندارش را بگیرند و آخر سر هم او را به اردوگاه ببرند .

سوال : شما میگوئید که چندین سفر به ایران کرده و نسبتا نیم عمر خود را به ایران کار کرده و زحمت کشیده اید آیا زندگی شما تاحال تأمین نگردیده است ؟ مثل اینکه نتوانسته اید مقدار سرمایه ای برای دست و پا کردن کار به داخل افغانستان پس انداز نمائید ؟

جواب : با کار کردن و زحمت دیدن هیچوقت آدم به سرمایه ای نمی رسد همچنان که پدر و اجدادم نتوانستند با زحمت و تلاش پولی سر هم بکنند و من هم فکر کنم تا آخر عمر نخواهم توانست پولی ذخیره کنم . و این برای من به تجربه به اثبات رسیده است زیرا پدرم نیز در تمام طول عمر خود زحمت کشید یادم می آید شب ها و روز ها را از هم نمی شناخت کار میکرد و کار میکرد و بر سر زمین های صاحب زمین کمرش را شکستاده بود و فقط توانست در تمام دوره حیات خود شکم ما را سیر کند که از گرسنگی نمیریم و حالا این زحمت و مشقت من نیز از او برایم میراث مانده و بنده هم باید تمام عمر خود را مانند

جواب : چرا هر کسی دوست دارد همیشه نزد خانواده خود باشد و اولاد های خود را که برایش بسیار عزیز هستند سرپرستی نماید ولی فقط سرنوشت ما کارگران افغانی اینست که یک سوم عمر خود را از خانه و فرزندان خود دور باشیم و این به علت اینست که در کشور ما بسیار نا بسامانی وجود دارد کسی به فکر ما کارگران و غریب بیچاره ها نیست و ما مجبوریم مدتی که در ایران کار می کنیم همیشه به فکر خانه و خانواده خود باشیم زیرا در افغانستان چیزی که ندارند بخورند یکطرف قضیه و طرف دیگر قضیه نبودن امنیت است و این نبود امنیت طوری است که اگر تمام اموال یک خانه را با اعضای آن خانه سرقت نمایند کسی جلو شان را گرفته نمی تواند چرا که آنها تفنگ دارند و مردم غریب بیچاره نمی توانند با دست خالی از خود دفاع کنند . و اگر با دست خالی هم دفاع کنند آنها را می کشند و فردایش هیچ کس از آنها پرسیان نمی کند .

سوال : وقتی ترک خانه و خانواده برای تان رنج آور است چرا ترجیح می دهید که آنها را ترک کنید ؟

جواب : شکم گرسنه خانواده برای من از همه چیز درد آور تر است زیرا اگر به خانه خود بمانم باید شاهد مرگ تدریجی فرزندانم باشم که هر کدام بعلت فقر و مصیبت و مریضی جلو چشمانم بمیرند . و همان بهتر که دست و پایی نموده ترک شان نموده و برایشان لقمه نانی بدست بیاورم .

سوال : در این سفر که تا اینجا رسیده اید ، رفتار مسئولین امنیتی افغانی و ایرانی تا آمدن تان به شهر زاهدان چگونه بود ؟

جواب : نیروهای افغانی که وقتی ما از افغانستان خارج می شویم خوشحال می شوند و به بهانه های مختلف هر کدام از ما پولی گرفته و برایشان خرج می نمایند و کسی هم از ایشان پرسان نمی کند آزادند هر کاری که به حق ما بکنند می گویند ما امنیت منطقه را بدست داریم و هزاران حرف دیگر . اما نیروهای امنیتی ایران هم دست کمی از ایشان ندارند تمام پول ما را غارت و چپاول می کنند در مسیر راه که یک فاصله بسیار طولانی را باید با پای

خود را ترک نکنیم و مجبور نباشیم از خانه و کاشانه خود دور شویم و این همه مورد تحقیر و توهین قرار نگیریم؟ در جواب سوال شما باید گفت تا زمانیکه نظام اجتماعی عادلانه ای که بر پایه های عدالت، برابری و تساوی حقوق برپا نگردد مشکلات مردم و خصوصا کارگران همچنان پا برجا خواهد بود. راهی که به نظر ما برای بیرون رفت معضلات کنونی توصیه میگردد این است که خود را برای ایجاد چنین رژیمی آماده کنید. برای برآورده کردن این آرمان در قدم اول باید کارگران متشکل شوند و بصورت فشرده جمعی برای گرفتن حق خویش به مبارزه برخیزند. زیرا هیچکس حق را به شما نمیدهد بلکه خودتان باید آنرا با زور بگیرید. همچنان برای معلومات بیشتر، شما را به مطالعه شماره اول "کارگران سخن میگویند" - نشریه هسته کارگری مبارز افغانستان فرا میخوانیم. پاسخ سوالات شما از طریق (مطالبات حداقل کنونی هسته کارگری مبارز کارگران افغانستان) ارائه خواهد شد.

او به بدبختی بگزرانم تا پیر شوم و یک گوشه ای بیفتم. از طرف دیگر مزدی که به ایران به ما کارگران می دهند گرچه از افغانستان بیشتر است ولی باز مصارفی که در ایران باید بکنیم بسیار کمر شکن است و بیشتر مزد خود را باید شبانه روز به خرجی خود مصرف کنیم و پولی که قابل جمع آوری و ذخیره باشد نمی ماند و این در قسمت تمام کارگران افغانی و همچنان ایرانی نیز صدق می کند.

دراخیر ازاینکه به سوالاتم پاسخ دادید بسیار از شما تشکر می کنم.

بنده هم از شما بسیار تشکر میکنم و خوشحال شدم که کسی پیدا شد که درد دل مرا پرسید و من هم می خواهم که با شما بسیار درد دل کنم و بسیار حرف ها دارم باز اگر در آینده به همدیگر رسیدیم و فرصتی یافتیم بطور کامل درد دل های خود را که سالهاست در گوشه دلم خانه کرده و مرا رنج می دهد با شما در میان بگذارم و امیدوارم روزی فرارسد که ما مردم فقیر افغانستان شاهد این همه آوارگی و دربدری نباشیم. و بنده نیز یک سوالی از شما دارم که امیدوارم جواب قناعت بخش برایم بدهید. و سوالم اینست که آیا راهی برای ما وجود دارد که ما وطن

شعر منتخب

در منظم گشتن و در رزم ما
می توان نظم کهن بر باد کرد
می توان نظم نوین بنیاد کرد

ما اگر جمله یکی لشکر شویم
پر توان گردیم و در سنگر شویم
برکنیم بنیاد ظلمت در جهان
سرنگون سازیم نظام ظالمان
می توان نظم کهن بر باد کرد
می توان نظم نوین بنیاد کرد

قدرت کاریگری بر پا کنیم
انقلاب آریم و پا بر جا کنیم
زندگی سوی رهایی می رود
سوی آن داد نهایی می رود
می توان نظم کهن بر باد کرد
می توان نظم نوین بنیاد کرد

قوت کاری تمام گنج ماست
ثروت عالم ولی از رنج ماست
گرچه ما سازنده دنیا هستیم
لیک بی هر چیز در هر جاستیم
ماستیم ز حمتکشان سخت کوش
اغنیای زحمت اندر عیش و نوش
کار ما سرمایه می سازد مدام
سهم ما فقر است و درد مستدام
می توان نظم کهن بر باد کرد
می توان نظم نوین بنیاد کرد
ناتوان هستیم ما چون در خودیم
تا برای خود نباشیم بیخودیم
زور ما در فکر ما در عزم ما

سلب کرامت انسانی از توده ها توسط رژیم پوشالی حامد کرزی

۱۵ قوس ۱۳۸۹

حاکمیت نظام تئوکراتیک اسلامی در همه اشکالش چه جهادی ، طالبی و یا امریکایی در ضدیت کامل با منافع و خواست های اساسی زحمتکشان قرار داشته و دارد. این حاکمیت به معنی سلب کامل حقوق دموکراتیک ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، کرامت انسانی و حتی حق حیات و تحمیل استثمار شدید و استبداد ارتجاعی خشن و سبعانه بر آنها بوده و هست. چنانچه ماده سی و ششم قانون اساسی کذائی ساخته و پرداخته شان بیان میدارد که "اتباع افغانستان حق دارند برای تامین مقاصد جایز و صلح آمیز ، بدون حمل سلاح طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند. اما بارها نه تنها همین ماده بلکه اکثریت موارد مندرج در قانون کذائی شان از طرف خودشان نقض گردیده است. چنانچه ما شاهد سرکوب خونین چندین مرتبه تظاهرات محصلین پوهنتون کابل ، مزار و توده های مردم هستیم. زمانیکه قریه بخت آباد - عزیز آباد شیندند توسط قوای اشغالگر امریکایی بمباردمان شد و ۱۶۲ نفر مردم بیگناه کشته شدند مردم شیندند بعد از ختم فاتحه داری اعلان تظاهرات و راهپیمائی مسالمت آمیز را در شهر هرات نمودند و مردم هرات پشتیبانی خویش را از آنها اعلام داشتند. رژیم پوشالی با جرات تمام ازین تظاهرات جلوگیری به عمل آورد. یکایک موارد مندرج این قانون به استثنای مواردی که برای سرکوب توده ها طرح گردیده از طرف رژیم تئوکرات اسلامی حامد کرزی نقض میشود. در ماده بیست و چهارم ذکر گردیده: "آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصئون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسانی مکلف میباشد. آیا واقعا در کشور اشغال شده افغانستان ، "آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصئون" میباشد؟ آیا رژیم پوشالی آزادی و کرامت انسانی را حمایت و پشتیبانی مینماید؟ ابد.

رژیم پوشالی و اربابان امپریالیستی شان به حمایت انسانها پیشیزی اهمیت نمیدهند چه رسد به آزادی و کرامت انسانی. این موضوع را با چشم دید خودم واضح تر بیان میدارم.

یکی از دوستانم همراه سه چرخه با یک موتورسایکل تصادف سطحی مینماید. طرف مقابل از دعوی صرف نظر نموده و رضایت میدهد، دوستم که آدم فقیر است و پولی ندارد که به ترافیک بدهد، از ترافیک دوسیه وی را به سارنوالی ارسال میدارند ، به همین شکل دوسیه به محکمه میرود. چند روز قبل روز محکمه وی بود، چون محکمه "آزاد" بود من نیز رفتم تا محاکمه وی را از نزدیک مشاهده کنم. بین محکمه استیناف ایستاده بودم که چند نفر پولیس مسلح دست به ماشه داخل محکمه شده و در حال

آماده باش قرار گرفتند. لحظه ای بعد موتر کاستر وارد محکمه شد. صاحب منصب با چند نفر پولیس مسلح دیگر از موتر پائین شدند و آماده باش ایستادند و بعدا پنج نفر پیاده شده ، پاهایشان زولانه بود علاوه بر آن در کمر هریک شان زنجیری ، قفل شده بود. زنجیر کمر نفر اول به کمر نفر دومی الی پنجمی وصل بود. این پنج نفر مانند قطار شتر در حالیکه صحیح راه رفته نمیتوانستند در حرکت بودند ، قطار دوم به همین ترتیب از پشت سرشان پیاده شد. با دیدن وضعیت این افراد با خودم گفتم شاید اینها مربوط به سازمان القاعده باشند و یا اینکه از جمله جنایتکارانی که یا اعدامی اند و یا اینکه از بیست سال حبس شان کمتر نخواهد بود. در همین فکر بودم که قطار سوم پیاده شد و دیدم که دوستم نیز از جمله همین افراد است. آخرین گروپ شان نیز به همین شکل قطار حیوانی از موتر پیاده گردید.

لحظه ای بعد محکمه شروع گردید. من نیز در آنجا حضور داشتم ، متهمین یکایک به محکمه خواسته میشد. هر کدام که به محکمه نزد قاضی می آمدند فقط زنجیر کمرشان باز بود اما پاهایشان زولانه داشت. سه نفر اولی که حاضر شدند ، هر سه تن شان همان جرمی را که دوستم داشت مرتکب شده بودند، نفر چهارمی دوست من بود که بعد از آن از محکمه بیرون رفتم و منتظر حکم محکمه بودم، بالاترین جزائی که محکمه ابتدائی به این "مجرمین" ابلاغ نمود شش ماه بود که هیچکدام شان این جرم را قبول نداشتند و استیناف طلب شدند. در حالیکه ماده بیست و پنجم قانون اساسی کذائی حکم میکند: "متهم تا وقتیکه به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد بیگناه شناخته میشود." در حالیکه هیچکدام متهمین به "حکم قطعی محکمه با صلاحیت" رژیم پوشالی محکوم شناخته نشده و نظر به حکم ماده بیست و پنجم بیگناه اند، اما با افراد بیگناه مانند حیوان رفتار میشود. شعار "آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصئون است" در مورد زحمتکشان یک شعار پوچ و میان تهی و اغواگرانه است. قانون اساسی فقط "آزادی و کرامت انسانی" را برای جنایتکاران در نظر گرفته است. نه توده های زحمتکش ، چنانچه بارها از تلویزیون مشاهده نمودیم که اختطاف گران و آنهایی که به زنان و دختران جوان تجاوز نموده اند و قتیکه با ایشان مصاحبه تلویزیونی مینمایند چهره وی را به نمایش نمیگذارد و محکمه او را برائت میدهد. اما قربانی علاوه بر اینکه مصاحبه تلویزیونی وی دقیق است در محکمه مجرم شناخته میشود.

رژیم پوشالی که عوامفریبانه شعار "آزادی" زنان را بلند نموده برای اغواگری و فریب زنان "قانون منع خشونت علیه زنان"

انقلابی و ملی شان جلوگیری به عمل آید. روزهای دوشنبه روز پایواری و ملاقاتی زندانیان است. به این خاطر به دروازه محبس رفتم تا بدیدن دوست خود بروم. در بین صف از یک نفر پرسیدم که پایواری تا چه زمانی دوام دارد، گفت تا ساعت ۳ بعد از ظهر. بعدا پرسیدم که اگر کسی بخواهد زودتر بیرون شود اجازه داده میشود؟ گفت خیر. بعدا موضوع را از پولیس دم دروازه پرسان نمودم گفت: تا ساعت ۳ بعد از ظهر هیچ کس اجازه بیرون شدن را ندارد. پایواری از ساعت ۹ صبح شروع میشود و تا ساعت ۳ بعد از ظهر دوام می یابد، در ظرف ۶ ساعت تمام، کسانی که به پایواری میروند به طور موقتی زندانی اند، من این موضوع را از صاحب منصب پولیس پرسان کردم که شما مردم را موقتی زندانی میکنید یا اجازه ملاقات میدهید؟ در جواب گفت: " این قانون ماست، اختیار با شماست" این وضعیتی است که رژیم پوشالی میخواهد به مردم تفهیم نماید که دست از پا خطا نکنند و همیشه مطیع و فرمانبردار باشند. ورنه هیچ معنی ندارد که پایواز را حسب دلخواه ۶ ساعت به داخل زندان نگهداشت. بعد از اینکه پایواری تمام میشود مردمیکه میخواهند از زندان بیرون شوند، پولیس آنها را در یک محوطه بزرگ در بین آفتاب جمع میکند. وقتی که تمامی پایوازاها جمع شدند بعدا شروع به شمارش زندانیان میکند. این عمل ۱ الی ۲ ساعت را در برمیگیرد و مردم در بین آفتاب سوزان تابستان و یا هوای سرد زمستان باید منتظر دستور پولیس بنشینند. بعدا برایشان اجازه خروج داده میشود. این عملکرد به شکلی است که هر فردی که بخواهد برای ملاقات زندانی اش برود دست وی توسط مسئولین دروازه محبس هرات سه مهر و سه امضاء میشود. امکان فرار هیچ زندانی در چنین روزی نیست. زندانی موقت مردم در ظرف ۷ الی ۸ ساعت فقط ترساندن مردم از رژیم پوشالی است.

امپریالیستهای اشغالگر و رژیم جمهوری اسلامی دست نشانده از " آزادی و کرامت انسانی " کسانی حمایت میکنند که اصلا دارای کرامت انسانی نبوده و نیستند و از جمله جنایتکاران و میهن فروشان اند.

توده های زحمتکش!

تا زمانیکه اشغالگران را از خاک این میهن بیرون نرانید و خائنین ملی و دست نشانندگان شان را از مسند قدرت به زیر نکشید و حاکمیت انقلابی خویش را بر پا ندارید، یقینا که هیچ چیزی را به دست نخواهید آورد، همیشه مورد تحقیر، اهانت و سرکوب قرار گرفته و کرامت انسانی تان پایمال شده و میشود. برای اینکه از آزادی و کرامت انسانی خویش دفاع نمایید باید که متحد شده تحت رهبری نیروهای انقلابی (کارگران آگاه) برای بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی حاکمیت پوشالی و استقرار رژیم مردمی خویش به پا خیزید.

را تفویض نموده است. ماده بیست و دوم آن به صراحت اعلام میدارد: " هرگاه زنی به قتل میرسد از طرف فامیل زن رضائیت داده میشود قاتل، مجرم نبوده، دوسیه اش بسته میشود. " این حالت را با یک حادثه ترافیکی سطحی مقایسه کنید. میتوانید بدانید که زنان در رژیم چه مقام و موقفی دارند. در قتل زن، طرف مقابل مجرم شناخته نمیشود و براءت حاصل میکند اما با یک حادثه ترافیکی سطحی در حالیکه رضائیت مضروب گرفته شده، دولت ادعای حق الله نموده، فرد محکوم شناخته شده و زولانه میشود. اما با قتل زن موضوع حق الله اصلا در میان نیست. اگر زنی شوهرش را به قتل برساند آیا چنین برخوردی باز هم صورت میگیرد؟ خیر.

موضوع دیگری که از طریق برنامه " امروز و امشب " حدود ۹ ماه قبل یعنی به روز یکشنبه ۲۲ حمل ۱۳۸۹ ساعت ۶ و ۳۰ بعد از ظهر از تلویزیون طلوع پخش گردید، شاهد زنده دیگری از جنایت امپریالیستهای اشغالگر در افغانستان است.

این برنامه طفل نوزادی را که در شفاخانه اندراگاندی در کابل بستری بود نشان میداد. طفل حین تولد قلبش بیرون از صدر یعنی روی سینه اش قرار داشت. یکی از داکتران گفت که: " این طفل بیست و پنجمین طفلی است که وی با سوء شکلی بدنیا آمده که از جمله ۲۲ نفرشان مرده و فقط ۳ نفرشان زنده مانده اند. " یکی دیگری از داکتران گفت: " تحقیقاتی که ما انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که این حالت به اثر تشعشع اشعه های مواد کیمیای است که نیروهای خارجی و داخلی بخاطر امنیت و حفظ جان خویش از آن استفاده میکنند. این ضربه متوجه کسانی هست که یا نزدیک پایگاه های خارجی ها سکونت دارند و یا در محله سکونت شان ازین اشعه ها و مواد کار گرفته شده است. همانطوری که تانک ها از هر منطقه ای که میگذرند به اثر اشعه ای که استفاده میکنند تمام مایل ها و تلویزیون های در ساحه اشعه قرار میگیرند از کار می افتند. به همان اندازه روی انسانها و بخصوص زنان حامله اثر میگذارند. علاوه بر اینکه اطفال با سوء شکل و یا کدام مشکل دیگری به دنیا می آیند حیات مادران را نیز مورد تهدید قرار میدهند. "

این موضوع شاهد زنده دیگری است که امپریالیستهای اشغالگر و رژیم دست نشانده آن هیچگاهی پروای جان توده های زحمتکش را نداشته چه رسد به " آزادی و کرامت انسانی " شان.

رژیم دست نشانده به خوبی میداند که چنین افرادی هیچ جرمی را مرتکب نشده و طرف دعوی هم وجود ندارد. ارباب و تهدید رژیم پوشالی به اصطلاح مردم " زهر چشم " نشان دادن به توده هاست تا از اعتراضات بعدی توده ها جلوگیری به عمل آورد به همین خاطر است که محاکمه طولانی میشود تا اینکه افراد و اشخاص ماه ها بدون جرم و گناه و بدون طرف دعوی در زندان مانده مورد تحقیر و اهانت قرار گیرند تا از انرژی و پوتانسیل

منیر احمد طاهری باید مجازات شود

زاده است، طبق عادت گذشته خویش زنان را فریب داده و آنها را بازیچه کامجویی اش قرار میدهد. زیرا فئودال و فئودال زاده ها حسب خصیصه ذاتی رزیلانه شان در طول تاریخ ازین استفاده جوئی ها بهره مند بوده اند. آقای طاهری هنوز از همان خصیصه برخوردار است و به همین دلیل در پی فریب دادن معلمه مکتب " بنفش دره " برآمده است. چرا؟ بخاطری که، برادران او هریک داکتر رنگین دادفر اسپینتا مشاور عالی امنیت ملی و وحید احمد طاهری عضو ولسی جرگه و از سوی دیگر خواهرش جهانتاب طاهری عضو شورای ولایتی میباشند. به این اساس وی بدون کدام دغدغه چنین جنایتی را مرتکب میشود.

ده ماه قبل قضیه منیر احمد طاهری با رحیمه آغاز میگردد، شش ماه قبل جنایت منیر احمد طاهری افشاء میشود، و رحیمه دستگیر و روانه زندان میگردد، اما قضیه چنان بی سر و صدا نگه داشته شده که هیچ رسانه صوتی و تصویری درباره اش تبصره نکرده است و کسی درین مدت نه تنها یک سوال از منیر احمد طاهری به عمل نیاورده بلکه وی حتی دستگیر نمیگردد. زمزمه های درون و بیرون زندان دولت را وادار میکند تا بطور ساختگی منیر احمد را دستگیر نمایند و خبر دستگیری اش به تاریخ ۱۰ میزان ۱۳۸۹ اعلام میگردد. هرچند گفته شده که دولت در صدد است تا استشهادی را درست نماید که منیر احمد طاهری در ظرف این مدت به افغانستان نبوده است ولی اینکارها نمیتواند روی جنایاتشان را بپوشاند.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " با محکوم کردن عملکرد فریبکارانه منیر احمد طاهری خواهان مجازات وی میباشد. " هسته کارگری مبارز افغانستان " به رحیمه و دخترانی مانند رحیمه پیام میدهد که به چنین سرنوشتی تسلیم نشوند، بلکه علیه آن قد علم نموده و راه مبارزه علیه مناسبات و ارزش های حاکم موجود را پیش بگیرند. ما از موضع " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " حمایت خویش را اعلام میداریم و پیام میدهیم که " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " باید فعالانه برای آگاهی بخشیدن، سازماندهی و بسیج مبارزاتی اینگونه زنان و دختران تلاش نماید. ما از تمامی کسانی که این اعلامیه به دست شان میرسد صمیمانه می طلبیم تا در جهت افشاء سازی این حقیقت پنهان ما را مدد رسانده و بخاطر مجازات منیر احمد طاهری صدای اعتراض شان را بلند نمایند.

هسته کارگری مبارز افغانستان

۲۵ میزان ۱۳۸۹

افغانستان سرزمینی است که در طول تاریخ میدان تاخت و تاز ابرقدرتهای جهانخوار بوده و ابرقدران جهان همیشه با روحیه دلیرانه مردم این خطه و با مقاومت های آنها مواجه بوده اند. امروزه نیز کشور ما مورد تاخت و تاز امریکا و شرکای بین المللی اش قرار گرفته و این امر وضعیت زنان را وخیم تر نموده و بردگی شان را قانونی تر ساخته است.

از زمانیکه امریکا و شرکای بین المللی اش به بهانه حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به این سرزمین هجوم آوردند، اولین هدف شان با تشکیل دولتی که میتواند منافع غارتگرانه آنها را در منطقه تامین کند، تکمیل گردید. آنها نه بخاطر " آزادی زنان "، نه بخاطر " مبارزه با تروریسم " و نه بخاطر از بین بردن فقر، درد و رنج کارگران، بلکه بخاطر چور و چپاول این سرزمین و زیر پا کردن ارزش های ملی مردمان آزادیخواه این کشور و برباد دادن عزت و آزادی مردمان این خطه آمده اند.

از زمان تشکیل دولتی که نه حامی کارگران و ستمدیدگان، بلکه حامی سرمایه داران دلال و ستمگران است هیچگونه حقی به زحمتکشان کشور داده نشده و نه هم آزادی زنان و حتی امنیت شان تامین گردیده است. فقط آنچه را که خواست اربابان اشغالگر این رژیم بوده عملی نمودند و از آن اباء نورزیدند، جمهوری اسلامی افغانستان با طرح قانونی بنام " احوال شخصیه اهل تشیع " زنان را به بردگان جنسی مردان بدل نموده و زنان را بعنوان جنس درجه دوم به حاشیه رانده اند. درست است که مکاتب بازااست، زنان به کارخانه جات صنعتی بعنوان زنان کارگر کار میکنند و زنان میتوانند از خانه هایشان بیرون بیایند، اما در حقیقت امر این آزادی ای نیست که به زنان عطاء گردیده، بلکه زمینه ساز استثمار بیش از حد زنان کارگر است، زیرا مزد زنان نسبت به مردان خیلی کمتر میباشد. زنان امروز در مکاتب، کارخانه ها و موسسات دولتی و غیر دولتی و حتی در خانه و بازار امنیت ندارند. چرا امنیت شان تامین نیست؟ چون، مستی های بیشرمانه جنگ سالاران جنایتکار و معافیت دادن شان از طرف چنین دولتی به تمام کسانی که به شکلی از اشکال به جمهوری اسلامی افغانستان وابستگی دارند جرئت بیشتری داده که بدون کدام ترس و لرز به زنان تجاوز نموده و یا اینکه آنها را مدتها نزد خود برای کامجویی نگه داری کنند. نمونه بارز آن منیر احمد طاهری عضو تفتیش مدیریت ولسوالی کرخ است، که بدون کدام ترس، رحیمه معلمه مکتب " بنفش دره " ولسوالی کرخ را به مدت چهار ماه از شوهرش جدا نموده و در حومه شهر نگه میدارد. او بیشرمانه از رحیمه برای لدايد شهوانی خویش کامجویی میکند. منیر احمد طاهری که از لحاظ طبقاتی فئودال

وضعیت کارگران افغانستانی در اردوگاه های ایران

سوار نمودند، همین که به مرز رسیدیم موتوروان ما را مانند ریگ کامپریس نمود (یکعده از ناحیه سر و دست و وپا زخمی شدند) و ما را به این طرف مرز روان نمودند. وقتیکه از مرز نیمروز عبور نمودیم، دیگرنه لقمه ای نانی داشتیم و نه پولی برای خرید نان. شب را طبق عادت اردوگاه در نیمروز خوابیدیم و فردای آنروز با یک موتوروان هراتی صحبت نمودیم او هر شش نفر ما را به هرات رساند، چینیکه از موترش پیاده شدیم برای ما دو صد افغانی خرجی نیز داد، ما تصمیم گرفتیم که اینجا چند روز کار کنیم تا بتوانیم به ولایت خود برویم، اما متاسفانه که در ظرف شش روزیکه اینجا رسیدیم فقط دو روز توانستیم کار کنیم، نمیدانیم که بعد از چند وقت خواهیم توانست که نزد فامیل خود برویم یا نه؟"

مشت نمونه خروار است، سرنوشت توده های زحمتکش و بخصوص کارگران، در زیر چتر اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان بهتر ازین نمیتواند باشد، بلکه روز به روز بدتر میگردد. یانکی های امریکایی و شرکای ریز و درشت اش بخاطر منافع ملی ما نه، بلکه برای غارت و در بدری ما در این سرزمین پا گذاشته اند. تا زمانیکه اشغالگران امپریالیست در این کشور حضور داشته باشند و رژیم مزدور اش در مسند قدرت باقی بماند، زندگی زحمتکشان بهتر ازین نمی شود.

یگانه راه رهائی ازین مصیبت اتحاد و یکپارچگی کارگران بوده و با قبول رهبری پیش آهنگ خویش به راه انداختن مقاومت ملی، مردمی و انقلابی میباشد و ازین طریق میتوان که امپریالیستهای اشغالگر را مجبور به عقب نشینی و ترک این دیار نمود و رژیم مزدورش را از مسند قدرت به زیر کشید و جامعه ای را ایجاد نمود که امیال و آرزوی کارگران را برآورده سازد. یعنی جامعه ای را ایجاد نمود که دیگر نشانی از ستم و بهره کشی وجود نداشته باشد. برای چنین روزی باید که جدا بپا خیزیم.

هسته کارگری مبارز افغانستان

۲۳ میزان ۱۳۸۹



از زمانیکه مالکیت خصوصی ایجاد گردید، جوامع به دو طبقه زحمتکش و ستمگر تقسیم گردید. این حالت مراحل مختلف را پشت سر گذاشته تا به مرحله سرمایه داری رسیده است. در طول تاریخ روز بروز وضعیت کارگران وخیم تر گردیده است.

در شرایط کنونی افغانستان نیمه فئودالی به یک کشور مستعمره تمام عیار تبدیل گردیده است، از زمان اشغال افغانستان وضعیت زندگی کارگران به وخامت گرائیده است. چون زمینه اشتغال وجود ندارد کارگران مجبور به ترک کشور میشوند و برای پیدا نمودن کار راهی به کشور های همسایه و بخصوص ایران شوند. زمانیکه به آنطرف مرز پا میگذارند به مشکلات عدیده ای (تحقیر، توهین، آزار و اذیت، استثمار بی حد، حتی به زندان انداختن کارگران بخاطر نپرداختن حقوق شان) مواجه اند. بیش از همه اگر در بین راه شناسائی شوند علاوه بر تحقیر، آزار و اذیت روانه اردوگاه میشوند و در آنجا هم دار و ندار شان را از ایشان گرفته آنقدر آزار و اذیت میکنند که غیر از رهائی خویش به دیگر چیزی فکر نکنند.

عبدالحق و محمد دو تن از کسانی هستند که بعد از عبور از مرز دستگیر شده و مدت یازده روز را در اردوگاه جهنمی جمهوری اسلامی سپری نموده اند. این دو نفر اصلا از قریه لنگر ولسوالی قادیس مربوط ولایت بادغیس میباشند. عبدالحق زندگی خویش را چنین توضیح میدهد: "در طفولیت پدرم فوت کرده و تمام مشکلات فامیل بدوش من میباشد. تعداد افراد فامیل ما ده نفر میباشد. چون در ولایت بادغیس کاری پیدا نمی شد، لذا همراه شش نفر از قومان به هرات آمدم، در هرات هم کاری پیدا کرده نتوانستیم لذا همراه قاجا قمبر روانه ایران گردیدیم، زمانیکه از مرز عبور نمودیم در نزدیکی زاهدان دستگیر شدیم، ما را همراه تعداد نفرات دیگری که قبلا دستگیر شده بودند به اردوگاه فرستادند، زمانیکه به دروازه اردوگاه داخل شدیم، حین بازرسی آن چیزیکه (پول، گوشی، انگشتر،) داشتیم از ما گرفتند. چینیکه وارد اردوگاه شدیم با هفتصد نفر دیگر در داخل اردوگاه روبرو شدیم، برای ما روز یکمترتبه دو گیلان آب همراه یک تکه نان خشک که خرج طفل دو ساله ای نمی شد، میدادند و روز یکمترتبه اجازه رفتن به دستشویی را داشتیم.

هنگامیکه از اتاق خارج می شدیم که به طرف دستشویی برویم، یک نفر از پاسداران هر دو گوش ما را محکم میگرفت و یک نفر همراه شلاق کلفتی که به دست داشت ما را لت و کوب میکرد. این عمل همه روزه ادامه داشت. بعد از یازده روز که از اردوگاه بیرون شدیم، علاوه بر اینکه پول و اشیای ما را ندادند، بلکه از هر کدام ما مبلغ دو هزار تومان نیز خواستند، زمانیکه ما داد و فریاد راه انداختیم که حین ورود به اردوگاه تمام چیزیکه داشتیم از ما گرفتید، حالا ما پول دیگری از کجا بیاوریم؟ هر یک ما را ده ضربه شلاق زدند بر موترهای کامپرسی سوار نمودند. در هر موتر کامپرسی هشتاد نفر

نظام کرسی حامی جنایات پولیس است

۲ سنبله مینی را در قسمتی از مسیر راه آنها کار گذاری نموده که درین حادثه غلام رضا کشته می شود برادرش هر دو پایش از زانو به بالا از دست داده، پسر خاله و پسر عمه اش هر کدام را یکی از اعضای بدن خویش را از دست داده و شدیداً مجروح می شوند و موترشان کاملاً بیکاره می گردد.

بعد از این واقعه مردم منطقه گازرگاه پولیس را مقصر میدانند و رژیم منحوس پولیس پوسته را دستگیر مینماید، اما بالای مادر پیرش از یکطرف فشار می آورند و او را اخطار میدهند که از دعوی بگذرد و از طرف دیگر حيله و نیرنگی را بکار میبرند و می گویند که "اگر دعوی راه بیاندازی بچه ات از درجه شهادت محروم می شود" به این صورت از مادر پیر رضایت می گیرند. حتماً دوسیه جنایتکاران بسته شده و مورد عفو قرار می گیرند. این عمل بیانگر آنست که رژیم دست نشانده، پولیس و اردوی پوشالی آن چقدر کثیف اند. آنها بخاطر ۲۵۰ افغانی حاضراند که ۴ فامیل را بی سرپرست نموده و آنها را به بدترین شرایط زندگی سوق دهند.

توده زحمتکش:

باید آگاه بود که بدون بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده امکان ندارد که از فقر و فلاکت نجات پیدا نمود و به چنین جنایتی خاتمه بخشید. باید متشکل گردید و به پا خاست. زیرا بدون متشکل شدن و اتحاد زحمتکشان بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی غیر ممکن است.

"هسته کارگری مبارز افغانستان" از تمامی نیروهای ملی دموکرات، انقلابیون و توده های زحمتکش میخواهد که گام جلو گذاشته و هر چه وسیعتر و گسترده تر به تبلیغ و ترویج علیه اشغالگران و رژیم پوشالی پرداخته و جنایات شان را فاش نمایند. زیرا بدون گام گذاشتن به جلو و بیان این مطلب که به افغانستان چه میگذرد و اهداف اشغالگران و مزدوران شان چیست، امکان اتحاد توده های زحمتکش ممکن نیست. بدون اتحاد و رهبری توده ها، یورش بر اشغالگران، بیرون راندن شان و سرنگونی رژیم پوشالی غیر ممکن است.

مرگ بر اشغالگران

مرگ بر رژیم پوشالی

مرگ بر جنایتکاران

"هسته کارگری مبارز افغانستان"

در مدت ۹ سالی که از عمر رژیم دست نشانده می گذرد، درد ورنج توده های زحمتکش بخصوص کارگران و دهقانان روز به روز زیادتر می شود. علاوه بر فقر روزافزون توده ها و اعمال وحشیانه نیروهای اشغالگراز قبیل بمب باران، شکنجه و قتل افراد بی گناه در بین کوچه و بازار که بر توده های زحمتکش تحمیل گردیده و از آنها قربانی گرفته و بی خانمانی را بر آنها تحمیل نموده، پولیس و اردوی پوشالی نیز همگام با اشغالگران بر روی زحمتکشان این مرز و بوم آتش می گشایند. رژیم دست نشانده از جنایت شان حمایت نموده این حمایت سبب گردیده که همه روزه جنایت نیروهای ارتجاعی مسلح بیشتر شده و توده ها را زیر فشار مضاعف قرار دهد.

روز سه شنبه ۲ سنبله ۱۳۸۹ پوسته امنیتی پولیس گازرگاه ولایت هرات با گذاشتن یک مین زیر موتر سنگ جنایت نابخشودنی را مرتکب می شود. گزارشگر "هسته کارگران مبارز" با شواهد عینی قضیه گفتگویی داشته و مطلب را چنین توضیح می دهد:

"طبق گزارش شواهد عینی در منطقه و افراد منطقه غلام رضا کارگر همراه برادر، پسر خاله و پسر عمه خویش که از مدت ها به این طرف از کوه های گازرگاه سنگ تهیه می نمود و آنها را بفروش می رساند و از این طریق لقمه نان مادر پیر، زن و فرزندان را تهیه می نمود توسط مین جا گذاشته توسط پولیس به قتل میرسد، برادر، پسر خاله و پسر عمه اش در وضعیت کاملاً بدی بسر میبرند. طبق گفته شواهد عینی اگر زنده هم بمانند (امکانش بسیار کم است) کاملاً ناقص الاعضا و باردوش جامعه اند.

غلام رضا و برادرش از جمله کسانی اند که پدرشان در جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم جانش را از دست داده، این دو پسر را مادر پیرشان با مشکلات فراوان بزرگ می کند بعد از بزرگ شدن آنها با کار شاقه فقط توانسته بودند که یک موتر چکله گرازه ای برای سنگ کشی تهیه نمایند. در طول مدتی که ایشان از کوه سنگ می برند، پولیس در بدل هر موتر سنگ مبلغ (۲۵۰) افغانی از ایشان اخذ مینماید، بالاخره غلام رضا به آمرحوزه شکایت می کند و می گوید که من بی بضاعت بوده و توانمندی پرداخت این مبلغ برایم گزاف است. آمرپوسته با دادن یک نامه به پوسته "امنیتی" حکم می کند که از غلام رضا پولی اخذ نکنند. پولیس برای انتقام گرفتن از غلام رضا دست به عمل جنایتکارانه می زند و فردای آن روز یعنی روز سه شنبه

گزارشی از محفل تجلیبه ۲۸ اسد

روزی پنجشنبه ۲۸ اسد سالروز استرداد استقلال افغانستان از طرف جمعی از پسران و دختران جوان در شهر هرات برگزار گردید.

در این محفل حدود دویست نفر از زنان و مردان شرکت نموده بودند، و تا آخر با روحیه عالی به تشویق شان پرداختند. در این محفل سخنرانان و جوانانی که مقالات ضد تجاوز و اشغال را به خوانش گرفتند، از روحیه عالی و سلحشورانه برخوردار بودند. در ضمن اشعار دکلمه شده با چند پارچه سرود میهنی همراه با موسیقی نیز اجراء گردید که تهیج ملی و میهنی رابه همراه داشت. شرکت کنندگان بادقت و تشویق همه جانبه محفل را همراهی نمودند.

دختران و پسران جوان علاوه از یاد بود جان فشانی و مقاومت جانانه نیاکان شان علیه استعمار انگلیس و حماسه و مقاومت مردم سلحشور این مرز و بوم علیه اشغالگران روسی، خیانت و برده منشی اجیران استعمار و امپریالیزم را به شدت تقبیح نمودند.

محفل که به خاطر تجلیل از سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس (۲۸ اسد ۱۲۹۸) تجلیل گردیده بود، محور عمده اش اشغال افغانستان توسط امپریالیزم امریکا و شرکا درشت و ریزش بود. لبه تیز مقالات، سخنرانی ها و اشعار دکلمه شده متوجه امپریالیستهای اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا و متحدینش بود. این محفل رژیم را یک رژیم دست نشانده و غیر مشروع میدانست و از تمامی هموطنان خواست تا به پای صندوق های رای نروند. محفل انتخابات را حيله و نیرنگ از طرف امپریالیستها میدانست و استدلال می نمود که امپریالیستها میخواهند از طریق انتخابات قلابی رژیم دست نشانده را مشروعیت بخشند.

به همین ترتیب محفل طرح تجزیه افغانستان را مردود دانسته و آنرا حيله و نیرنگ دیگر از طرف امپریالیستها برای ستمگری مضاعف بر مردمان منطقه دانسته و از توده ها خواست تا گام جلو گذاشته حيله، نیرنگ و وحشی گری امپریالیستهای اشغالگر و رژیم پوشالی حامد کرزی را افشاء سازند.

محفل با افتتاحیه ای توسط یکی از دختران جوان شروع شد. نقش ارزنده و بارز را زنان در این محفل عهده دار بودند. زنان با قاطعیت سیستم مردسالاری حاکم جامعه را محکوم نموده و از تمامی زنان خواستند که برای گرفتن حقوق خویش متشکل شده و به مبارزه بی امان علیه این سیستم به پاخیزند و نیز این نکته را خاطر نشان ساختند که بدون استقلال حقیقی کشور، بدست آوردن این حق و برابری زنان با مردان غیر ممکن است.

در این محفل زنان تاریخ مردسالارانه افغانستان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و این موضوع را یاد آور گردیدند که تاریخ افغانستان نقش زنان را در مبارزات علیه استعمار انگلیس نادیده گرفته است. بدین مناسبت از زنان قهرمان و مبارزی که بارو حیه سلحشوری و فداکاری علیه استعمار انگلیس رزمیده بودند یاد بودی نمودند و از زنان خواستند که این روحیه را سرمشق خویش قرار دهند. زنان در این محفل سیاست و عملکرد ارتجاعی طالبان را نیز محکوم نمودند و خاطر نشان ساختند که این سیاست و عملکرد به ضرر مقاومت عمومی علیه اشغالگران تمام می شود. شرکت کنندگان محفل خواهان اخراج بدون قید و شرط تمامی نیروهای اشغالگر خارجی از افغانستان گردیدند.

در اخیر محفل قطعنامه ده ماده ای را صادر نمودند که در آن خواهان

خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر امپریالیستی گردیدند و از تساوی برابر حقوق زنان و مردان دفاع نموده و خواهان لغو از دواج های اجباری گردیدند و به همین ترتیب طرح تجزیه افغانستان و به جان انداختن ملیت ها را محکوم نموده و خواهان وحدت تمام ملیت های با هم برادر را در زیر چتر افغانستان واحد را خواهان شدند. آزادی توده ها، از بین بردن فساد، و حشیکری و از یاد آوردن اشکال و انواع ستم رامنوط و مربوط به استقلال حقیقی کشور دانستند.

قسمت اخیر متن قطعنامه " کمیته برگزاری ۲۸ اسد " چنین است: " ۱. آزادی مملکت و میهن ما بدون کسب استقلال واقعی آن ناممکن است.

۲. استقلال واقعی کشور فقط در اثر اخراج بدون قید و شرط نیروهای خارجی ممکن می گردد.

۳. مبارزه علیه تروریزم، آزادی زنان، همه بهانه و روپوش برای تجاوز به کشور است، به این اساس دست متجاوزین و مداخله گران تحت هر نام و بهانه ای از افغانستان باید کوتاه گردد.

۴. رژیم که تحت حمایت نیروهای خارجی و اشغالگر به وجود آمده باشد، هیچ گونه مشروعیت ندارد بلکه فقط یک رژیم مزدور و مدافع نیروهای خارجی میتواند باشد.

۵. پارلمان رژیم نیز مانند سایر دستگاه های رژیم یک پارلمان پوشالی است و اعضای آن نیز نمیتوانند، نمایندگان مردم افغانستان بوده و از آنها نمایندگی کنند.

۶. رفتن به پای صندوق های رای و شرکت در انتخابات فرمایشی جزء مشروعیت بخشیدن به رژیم وابسته و فاسد چیز دیگری نیست.

۷. طرح تجزیه افغانستان کار دشمنان این مملکت است و ما این طرح امپریالیستی و ارتجاعی اشغالگران و نوکرانشان را محکوم می کنیم.

۸. ما خواهان تساوی کامل حقوق میان مردان و زنان در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشور بوده و خواهان لغو از دواج اجباری می باشیم.

۹. ما خواهان برقراری تساوی میان ملیت های مختلف کشور و لغو هر گونه امتیاز و برتری طلبی ملی هستیم.

۱۰. آزادی عقیده و بیان را تحت شعار محوری " جدائی دین از دولت " راه خلاصی از بنیاد گرایی میدانیم.

طوری که دیده میشود در اینجا یکبار هم نامی از کارگران و دهقانان که نیروی اصلی و زحمتکش جامعه را تشکیل میدهند، گرفته نشده است. موضعی که از لحاظ طبقاتی باید مورد توجه جدی قرار میگرفت. آزادی جامعه با آزادی اقشار زحمتکش جامعه گره خورده است، بدون آزادی زحمتکش جامعه هیچ جامعه ای نمیتواند به آزادی دست یازد.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " پشتیبانی خود را از فعالیت " کمیته برگزاری ۲۸ اسد " اعلام میدارد و همزمان وظیفه و رسالت خود میداند تا نظرات " هسته کارگری مبارز افغانستان " را پیرامون کمبود جدی متن قطعنامه اظهار بدارد. زیرا ما معتقدیم تا زمانیکه طبقه کارگر آزاد نگردد، آزادی جامعه مفهومی نخواهد داشت.

" هسته کارگری مبارز افغانستان "

۳۱ اسد ۱۳۸۹

تحریم قاطعانه انتخابات پارلمانی، ضرورت اجتناب ناپذیر ملت ماست

افغانستان " از هم اکنون که این بازی فریبکارانه و نمایشی که با چاپ عکس ها، پوسترهای تبلیغاتی، تزئینات محوطه کمپاین ها و مصارف گراف آغاز شده است، از تمامی کارگران و زحمتکشان کشور میخواهد که رفتن به پای صندوقهای انتخابات ارتجاعی- امپریالیستی و شرکت در آن که مشروعیت بخشیدن به اشغال کشور و رژیم مزدور میباشد، با قاطعیت کامل تحریم نمایند.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " مقاومت و مبارزه مردمی علیه اشغالگران و دولت دست نشانده شان را مسئولیت مبارزاتی عمده فعلی خود میداند و زندگی در یک افغانستان مستقل، آزاد، آباد و مردمی، شعار این تشکل مبارز و انقلابی میباشد.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " یکبار دیگر از تمامی مردمان آزادیخواه و سلحشور کشور منجمله کارگران، دهقانان و زحمتکشان جامعه، اکیدا میطلبد که با تحریم هرچه وسیعتر این انتخابات، حيله های فریبکارانه دشمنان وطن و مردمان وطن را بیشتر از پیش نقش بر آب سازند و گامی در جهت به دست گرفتن سرنوشت خویش بدست خودشان، بردارند. البته طبقه کارگرنسبت به سایر طبقات و اقشار زحمتکش و تحت ستم جامعه، مسئولیت و رسالت خاص در قبال وضعیت کنونی (مستعمره - نیمه فئودالی) کشور دارد. این رسالت تاریخی، رهبری آگاهانه مقاومت ملی، مردمی و انقلابی در راه دفع تجاوز امپریالیستی و سرنگونی رژیم مزدور، میباشد.

به پیش در راه متشکل شدن، مستقلانه کارگران
افغانستان

به پیش، در راه تحریم هرچه قاطعانه تر انتخابات
پارلمانی رژیم مزدور

" هسته کارگری مبارز افغانستان "

شانزدهم سرطان ۱۳۸۹

(۷ جولای ۲۰۱۰)

در کشوری که تحت انقیاد باشد و یک مستعمره تمام عیار اشغالگران به شمار رود؛ در کشوری که یک دولت دست نشانده و گوش به فرمان اشغالگران حاکمیت داشته باشد؛ در کشوری که حاکمیت آن نماینده خائنین ملی و مرتجعین میهن فروش باشند؛ چگونه میتوان انتخابات نمایشی و فرمایشی آنها را تایید نمود ویا اینکه به پای صندوقهای این انتخابات رفت؟ افغانستان فعلی، کشوری است که از چنین خصوصیاتی برخوردار است. زحمتکشان افغانستانی اعم از کارگران، دهقان و...، در طول مدت زمان نه سال حاکمیت ننگین رژیم مزدور، جز فقر، بدبختی، بی امنیتی و سرکوب، چیز دیگری نصیب شان نبوده است.

بنابراین مردم ما برای رهایی از فقر، بدبختی، بیچارگی، بیشتر از هر چیز دیگری به استقلال، آزادی، دولت مردمی و دموکراسی مردمی نیاز دارند نه دموکراسی خون آشام و تجاوزگر امپریالیزم امریکا و شرکای بین المللی اش! کارگران افغانستان که طبقه کارگر کشور را تشکیل میدهد، تقریبا نیم میلیون نفر میشوند. با احتساب روابط خانوادگی این مجموعه، میتوان گفت که حدود دو تا دو- نیم میلیون نفر یعنی تقریبا ده فیصد نفوس کشور در موقعیت کارگری قرار دارند. باید خاطر نشان نمود که همین کارگران هستند که در بخش های صنایع، معادن، پروژه های ساختمانی، حمل نقل، پیشه وری، هتل داری، صنایع دستی و غیره فعالیت دارند، که بدون نیروی کار آنها این تاسیسات نمیتواند اداره و گردانندگی شوند.

اربابان اشغالگر خارجی و رژیم گوش به فرمان شان، در حق کارگران افغانستانی به غیر از استثمار مضاعف، چه کار در جهت بهبود زندگی این طبقه ستم کش و رنجیده انجام داده است، که با به راه اندازی بازی فریبنده و نمایشی " انتخابات پارلمانی " کنونی کاری را به نفع این طبقه انجام دهد؟! یقینا که در کمپاین تبلیغاتی نامزدهای مزدور و فریبکار دومین دوره انتخابات پارلمانی باز هم، با وعده های سرخرمن که گوش مردم را می آزاراند و به هیچ یک از وعده هایشان عمل کرده نمیتوانند، روبرو خواهیم بود.

با در نظر داشت مسائل فوق است که " هسته کارگری مبارز

بخاطر دفاع از اعدایان آواره افغانستان در

ایران بپا خیزیم!

عزیزان نیز سکوت اختیار نموده است.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " این جنایت و بربریت ددمنشانه جمهوری اسلامی ایران را محکوم مینماید و از حرکت های اعتراضی تمامی مبارزین چه در افغانستان و ایران و چه در سایر ممالک جهان حمایت میکند.

اعدام های پی در پی رژیم آخندی ایران که به قتل عام زندانیان افغانستانی پرداخته است، یک زمینه چینی برای سرکوب خونین داخلی در ایران است تا در لابلای قربانیان افغانستانی بتواند دشمنان داخلی خویش را نیز سرکوب نموده و در سطح بین المللی معامله گری با امپریالیست ها را پیش ببرد. این حرکت تاکتیکی جمهوری اسلامی ایران است که هرگاه در سطح بین المللی به معامله گری پردازد، به سرکوب آوارگان افغانستانی در ایران و همچنان سرکوب داخلی میپردازد تا زهر چشمی باشد به کسانی که در مقابل اش اعتراض خواهند کرد. قتل و کشتار زندانیان سیاسی ایران که طی چند روز گذشته اتفاق افتاده است خود سند گویایی ازین جنایات برنامه ریزی شده جمهوری اسلامی ایران به شمار میرود.

" هسته کارگری مبارز افغانستان "، اعدام های دسته جمعی کارگران آواره افغانستانی در ایران و به زندان افتادن تعداد کثیری از کارگران و زحمتکشان افغانستانی را که کماکان در بند و قید جمهوری اسلامی ایران هستند، به شدت محکوم میکند.

باید علیه این جنایت و بربریت رژیم آخوندی ایران، با تمام قوت و توان ایستاد!

باید علیه رژیم دست نشانده حامد کرزی و اشغالگران امپریالیستی اش که در مقابل این جنایت سکوت اختیار کرده و نظاره گر این قتل عام کارگران افغانستانی هستند، قاطعانه مقابله نمود.

باید علیه ادامه چنین اعدام هاییکه از میان کارگران آواره افغانستانی قربانی میگردد، حرکت های مبارزاتی به راه انداخت!

باید علیه تمامی دسیسه ها، ترفندها و حقه بازی های جمهوری اسلامی ایران که به قتل عام کارگران افغانستان میپردازد ایستادگی نمود!

" هسته کارگری مبارز افغانستان " دولت جنایتکار جمهوری اسلامی ایران را که دستانش غرق در خون کارگران و زحمتکشان افغانستانی است، دشمن عمده کارگران ایرانی و دشمن منطقه ئی کارگران افغانستانی برمی شمارد. باشد تا با اتحاد و همسوئی هر چه بهتر و بیشتر کارگران مبارز افغانستان و ایران بتوانیم علیه این جنایت و ددمنشی رژیم آخوندی ایران ایستادگی نماییم.

مرگ بر دولت جنایتکار جمهوری اسلامی ایران!

مرگ بر دولت دست نشانده حامد کرزی!

مرگ بر اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان!

" هسته کارگری مبارز افغانستان "

۲۷ ثور ۱۳۸۹

کارگران و زحمتکشان!

مگر می توان اتهامات واهی بر زندانیان طبقه کارگر افغانستانی را که به جرم دست داشتن در " فروش مواد مخدر " در درون زندان های رژیم خونخوار ایران به مرگ محکوم اند را نادیده گرفت؟

مگر میتوان زندانیان خانواده های کارگر افغانستانی را که یکی پی دیگری از طرف رژیم مستبد ایران به دار آویخته میشوند را باز گو نکرد؟

مگر میتوان سر و صداهای بازماندگان قربانیانی را انعکاس نداد که عزیزان شان بعد از آنکه توسط دولت ددمنش ایران به دار آویخته میشوند و آنگاه به شکل فجیعی کالبد شکافی شده و جنازه هایشان در بدل یک تا دو میلیون تومان ایرانی به بازماندگان بفرش میرسد؟

کارگران آواره و بی اشتغال افغانستانی که بخاطر تامین حد اقل معیشت شان به آنسوی مرز فرار میکنند، یا در مسیر راه و یا از محل اقامت شان در نواحی مختلف ایران توسط نیروهای امنیتی دولت جمهوری اسلامی ایران دستگیر و با اتهاماتی از قبیل: عبور غیر قانونی، انتقال مواد مخدر، کار بی مجوز، نداشتن کارت مهاجرت، نداشتن پاسپورت و ویزای ایرانی، جعل اسناد، جنجال های فزونی میان کارگران و صاحبکاران، سرقت و قتل؛ به زندان افتاده و مدتها بی سرنوشت در زندان سپری میکنند و یا به پای چوبه دار برده میشوند.

۴۵ تن از همین کارگران آواره افغانستانی طی مدت بیست روز گذشته به دار آویخته شده اند و هنگامیکه هیات پارلمانی رژیم پوشالی کرزی این غلام حلقه بگوش امپریالیستهای امریکایی و شرکای بین المللی اش از ایران برگشت، اذعان نمود که در حدود ۶۰۰۰ نفر از آوارگان افغانستانی در ایران محبوس اند و ازین جمله ۳۰۰۰ تن آنان منتظر حکم اعدام خویش میباشند. این گفته ها با عکس العمل زحمتکشان افغانستان و با سکوت محض رژیم دست نشانده کرزی مواجه شده است.

بدون شک، این تعداد زندانیان آواره افغانستانی، نمیتوانند به غیر از افراد طبقه کارگر، کسان دیگری باشند. زیرا آنده از آوارگانی که بدون مجوز به ایران رفته اند، چون زمینه کار در درون کشور مساعد نمیشد و سطح اشتغال در طول حیات رژیم دست نشانده کرزی رو به سقوط بوده است، بخاطر پیدا کردن زمینه های کاری به آنطرف مرز فرار کرده اند.

سرمایه داران ایرانی طی سه دهه گذشته ثروت عظیمی از بازوی توانای کارگران افغانستانی بدست آورده اند. اما این کارگران پیوسته در معرض تهدید اخراج از ایران قرار دارند و این بار با سرکوب، اعدام و کشتار دسته جمعی مواجه شده اند. رژیم خونخوار آخندی جمهوری اسلامی ایران، از جمله آن حکومت هایی است که در کنفرانس بن شرکت کرد و از اشغال افغانستان و روی دست گرفتن برنامه مشترک کارزار تجاوزکارانه و اشغالگرانه امپریالیستهای امریکایی و شرکای بین المللی اش و بوجود آوردن حکومت دست نشانده در افغانستان به صورت جدی حمایت نمود. به همین دلیل است که رژیم دست نشانده حامد کرزی نه تنها در مقابل این قتل عام، بلکه حتی در مقابل فروش اجساد این قربانیان در بدل پول هنگفت و همچنان در مقابل کالبد شکافی این

خواستم شعری برایت بگویم کارگر
شعری از پر پینه دستت،

شعری از پر کینه قلبت،

درد ورنجت.

شعری از کاخ ستم گر،

شعری از کوخ تورنج بر،

شعری از گرمای آتش پای کوره،

شعری از سنگینی زنجیر

شعری از تاریکی دخمه،

و اندر معدون و خانه.

شعری از بر خورد با آهن،

به جای گل،

تمام صبح و شب هایت،

شعری از نابودی ایمانت،

شعری از شرمت به پیش خرد فرزندت،

به پیش بی گنه همسر،

تمناشان لباسی نو.

...شعری از احساس مردن زیر بار زندگی،

و آن پتکی که می کوبی

نه بر آهن،

که بر فرق تمام بی شرافت ها،

که بر اندیشه ی ناپاک غارت گر،

شعری از کارگر ظلم و ستم،

شعری از کارگر خشم و خروش

شعری از وحدت با محرومان،

شعری از خشم فراوان،

شعری از چالش با مترف ها،

شعری از ...

ما ...

خبر رسید ...

خبر رسید که ظلمت به سوی نابودی است،

نبرد ما به سوی پیروزی است.

خبر رسید که دنیا به کام ما شده است،

و روز فتح و ظفر بر همه عیان شده است.

خبر رسید که سرمایه دار بی ایمان،

نگشت فنا به دست مردان.

خبر رسید کاخ مزدوران،

گشته مسخر دست مستضعفان و محرومان.

خبر رسید که غارت گر پر تزویر،

شدند اسیر مردم به یک زنجیر.

خبر رسید که روز آبادی است.

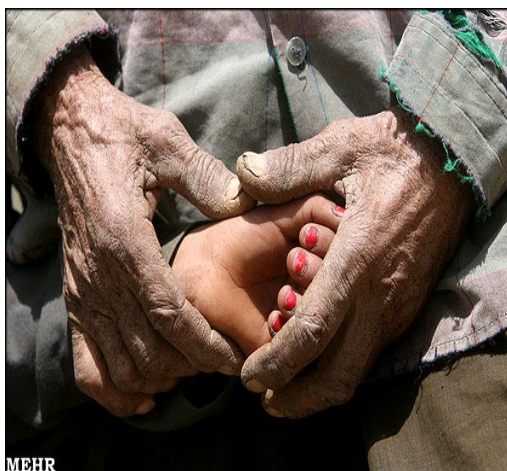
و روز جشن و سرور و آزادی است.

خبر رسید که ایمان برنده شد بر زور،

رسید موسم شادی و جشن و سرور

خبر رسید که روز کارگر برپا شد،

جهان دگر شد و حال کارگر دیگر شد.



MEHR



عناوین مندرج این شماره

صفحه

- | | |
|----|---|
| ۲ | ۱- پیامی به کارگران زحمتکش کشور |
| ۳ | ۲- کشتار کارگران زحمتکش افغانستان را در مرز ایران شدیداً تقبیح میکنیم |
| ۴ | ۲- گفتگو با یک کارگر افغانستانی |
| ۶ | ۳- شعر |
| ۷ | ۴- سلب کرامت انسانی از توده ها توسط رژیم پوشالی حامد کرزی |
| ۹ | ۵- منیر احمد طاهری باید مجازات شود |
| ۱۰ | ۶- وضعیت کارگران افغانستانی در اردوگاه های ایران |
| ۱۱ | ۷- نظام کرزی حامی جنایات پولیس است |
| ۱۲ | ۸- گزارشی از محفل تجلیلیه ۲۸ اسد |
| ۱۳ | ۹- تحریم قاطعانه انتخابات پارلمانی ، ضرورت اجتناب ناپذیر ملت ماست |
| ۱۴ | ۱۰- بخاطر دفاع از اعدامیان آواره افغانستانی در ایران بپا خیزیم! |
| ۱۵ | ۱۱- شعر |

وبلاگ هسته کارگری مبارز افغانستان

www.kargaranafghanistan.blogfa.com

آدرس های ملی - دموکراتیک

www.afghanistanrmy.org

www.nabardezan.persianblog.ir

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

دسته هشت مارچ زنان افغانستان